

## امکان سنجی احرام از ادنی الحل

روزبه برکت رضایی\*

### چکیده

تبیین موضوع شناسی ادنی الحل و امکان سنجی حکم تکلیفی احرام از آن، مسئله‌ای است که کمتر بدان پرداخته شده است. احرام، نخستین منسک در حج و عمره بوده که دارای ابعاد مختلفی است که تعیین فقهی مکان‌های احرام، از مهم‌ترین آن است. در مجامع روایی اهل بیت علیهم‌السلام و اهل سنت به روشنی بر احرام، در مکان‌های پنج‌گانه ویژه، تصریح شده است. افزون بر این موارد، به استناد صحیح عمر بن یزید، صحیح جمیل بن دراج و دیگر روایات، از ادنی الحل نیز در چند صورت می‌توان برای حج و عمره احرام بست. این مرز فرضی مکه مکرمه، که از دیرباز در ۴۵ کوه محیط بر مکه علامت‌گذاری شده، یکی از مواقیع است که در برخی موارد خاص یا اضطراری، می‌توان از آنجا احرام بست. مشهور فقیهان امامیه، حداقل در چهار مورد، حکم به صحت جواز احرام از ادنی الحل نموده‌اند: عمره‌گزاران ساکنان مکه، عمره‌گزاران زائر و مجاور مکه، کسانی که از میقات‌های اصلی یا هم‌راستای آنها عبور نکرده‌اند و کسانی که به سبب وجود مانع، فراموشی یا جهل، از میقات‌ها گذشته و امکان بازگشت ندارند.

**کلیدواژه:** مکه، حرم، احرام، میقات، ادنی الحل، اقرب المواقیع.

## مقدمه

سالانه میلیون‌ها نفر به حج تمتع و عمره مفرده مشرف می‌شوند که نخستین مناسک ایشان، احرام از میقات‌های منصوص است. ادنی‌الحل، بسان مرز حرم، مکانی است که شارع مقدس، مجوز احرام چندین گروه را در آنجا صادر کرده است. تبیین دقیق و کامل حکم فقهی آن، در لابه‌لای کتب فقهای بزرگوار، از زمان شیخ طوسی، به نیکی منعکس شده و حتی برخی از متأخرین، با تفصیلی بیشتر، بدان پرداخته‌اند. مرحوم آیت‌الله حکیم در تشریفش به حج، شخصاً از ادنی‌الحل احرام بستند. (همو، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۸۴) لیکن شایسته است مسئله حاضر، با تمام جوانب آن، مورد کاوش فقهی مستقل و مبسوط قرار گیرد؛ باشد تا بازشناسی این مسئله و با توجه به مبنای سهولت در تشریح احکام حج، مشکلات برخی از حجاج و معتمرین را برطرف سازد.

در این مقاله، پس از تبیین موضوع‌شناسی مسئله، به بررسی امکان‌سنجی جواز احرام از ادنی‌الحل، برای کسانی که به هر دلیل از میقات‌های اصلی یا هم‌راستای آنها عبور نمایند، یا کسانی که به سبب وجود مانع، فراموشی یا جهل، از میقات‌های منصوص نگذرند، یا عمره‌گزاران ساکنان مکه و عمره‌گزاران زائر و مجاور مکه، خواهیم پرداخت.

## موضوع‌شناسی

واژه «ادنی» صفت و از ریشه «د - ن - و»، به معنای نزدیک‌تر و نزدیک‌ترین است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۶۸) لغت‌شناسان، مراد از «الحل» را منطقه بیرون از محدوده حرم مکی دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۴۱؛ زبیدی، ۱۹۸۰، ج ۸، ص ۶۸)

مقصود از اصطلاح ادنی‌الحل، در منابع فقهی، نزدیک‌ترین منطقه حلّ به حرم، یعنی مناطق بیرون از حدود حرم، و چسبیده به مرز آن است؛ به طور کلی، از این

مناطق مرزی حرم، به «ادنی الحل» تعبیر می‌شود.

بر پایه گزارش‌های تاریخی، نخست حضرت ابراهیم علیه السلام، طبق وحی الهی، محدوده حرم را علامت گذاشت. این محدوده، به محیط ۱۲۷ کیلومتر مربع و مساحت ۵۵۰ کیلومتر مربع، به صورت دوزنقه است. از لحاظ جغرافیایی، محدوده حرم، از راه طائف ۱۸۳۳۳ متر، از سوی عراق ۱۳۳۵/۵ متر، از طریق تنعیم (راه مدینه) ۶۱۴۸ متر و از سمت یمن ۱۲۰۰۹/۷۵ متر است. (ابن دهیش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸)

تنعیم در شمال، جعرانه در شمال شرقی، وادی عرنه (مسجد نمره در عرفات) در شرق و حدیبیه (شمیسی) در غرب و اضاءة لئین در جنوب حرم مکی قرار دارند. نشانه‌های حرم ۹۳۴ عدد تخمین زده شده (ابن دهیش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹۱ و ۳۰۴) و بیشتر این نشانه‌ها بر ۴۵ کوهی که مکه را احاطه کرده، قرار داشته است. اسامی و موقعیت این ۴۵ کوه، در نقشه پیوستی، قابل مشاهده است.

پس از روشن شدن مفهوم و موقعیت ادنی الحل، باید بررسی کرد آیا این مرز، جزو مواقیت است و در صورت ثبوت، میقات چه کسانی است. در این نوشتار امکان‌سنجی احرام چهار گروه عمده از ادنی الحل را به واکاوی می‌نشینیم.

### جواز احرام از ادنی الحل

هرچند در اصل جواز احرام از ادنی الحل شکی نیست، اما درباره اینکه فقط در مرز و مجاور حرم می‌توان احرام بست یا در فاصله بسیار دورتر از مرز حرم نیز احرام صحیح بوده، میان فقیهان اختلاف است. از ظاهر کلمات برخی استفاده می‌شود که در هر جای حل می‌توان احرام بست (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۰۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۰۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۴۳) برخی دیگر از فقیهان، اتصال عرفی با حرم را در ادنی الحل، شرط دانسته‌اند. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۱۸۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۴۶)

قدر متیقن از کلمات فقهای امامیه، که از ادله و روایات نشئت گرفته است، چهار گروه مجاز به احرام از ادنی‌الحل می‌باشند:

### ۱. میقات عمره مفرده ساکنان مکه

در ذیل در دو فرض انجام عمره مفرده، پس از حج قران یا افراد و انجام عمره مفرده مستقل ساکنین مکه و مجاورین، بحث را دنبال می‌کنیم. به دیدگاه، فقها کسی که قصد اقامت موقت در مکه را داشته و حداقل دو سال تمام در آنجا زندگی کرده باشد، حکم مجاور و ساکنین مکه را خواهد داشت.

در اینجا امکان طرح سه نظریه کلی وجود دارد: صحت احرام از ادنی‌الحل یا خود مکه یا آنکه همچون برخی از فقهای اهل سنت (المرداوی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۴) فتوا به لزوم «رجوع به مواقیت» معروفه پنج‌گانه، در عمره واجب، و کفایت ادنی‌الحل در عمره مستحب، وجود دارد.

روشن است در صورت اثبات میقاتیت ادنی‌الحل، جواز احرام از جای دورتر، مثلاً از یکی از مواقیت پنج‌گانه، بی‌اشکال است و ما در صدد بیان میقات حداقلی و مجزی برای مکلف می‌باشیم.

با بررسی کلمات بزرگان فقه امامیه درمی‌یابیم که عموماً برآن‌اند: عمره‌گزار، چه عمره مستقل و چه عمره پس از قران و افراد، باید از حرم خارج شده و از ادنی‌الحل احرام ببندد؛ برای نمونه، شیخ الطائفه (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۹)، ابن حمزه (همو، ۱۴۰۸، ص ۱۹۵)، محقق کرکی (همو، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۶۰) علامه حلی (همو، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۷۲)، محقق حلی (همو، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۷۵)، ملا احمد نراقی (همو، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۹)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۷۷ و ۱۱۹) و محدث بحرانی (همو، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۳۲۷) بر این مسئله تصریح دارند. برخی از این بزرگان، با ذکر تعمیم، به عنوان ادنی‌الحل، اشاره و برخی نیز به ادنی‌الحل تصریح کرده‌اند. فقهای امامیه،

احرام اینان از داخل مکه را مجزی ندانسته و اساساً، لزوم خروج از مکه برای احرام عمره مفرده، فتوایی مسلم بین فریقین است. (ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۱۰)

## ادله فقها

### دلیل نخست: صحیح عمر بن یزید

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يُخْرَجَ مِنْ مَكَّةَ لِيَعْتَمِرَ - أَحْرَمَ مِنَ الْجِعْرَانَةِ أَوْ الْحُدَيْبِيَّةِ أَوْ مَا أَشْبَهَهَا». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۴۷)

در نقل این روایت، امام صادق عليه السلام می فرماید: «کسی که از مکه قصد خروج برای عمره را دارد، از جعرانه یا حدیبیه و امثال آن، محرم گردد».

از آن جهت که کلمه «معتمر» به نحو اطلاق ذکر شده است، ظهور در عمره مفرده دارد و هرگاه مراد عمره تمتع باشد، عمره، یا اضافه به تمتع می شود، (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۹۵ و ج ۱۰، ص ۲۴۳) یا مثل آیه شریفه «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۶) ذکر می گردد. وجه ظهور می تواند این باشد که عمره مفرده به تنهایی است و عمره تمتع با حج تشریح شده است. هرگاه در روایات، عمره به طور اطلاق ذکر شده باشد، بر عمره ای که به تنهایی تشریح شده، حمل می شود و همان طور که عمره تمتع مرکب است، اصطلاح روایی آن نیز به نحو ترکیبی آمده است.

درباره میزان دلالت این روایت بر مدعا گفتنی است: به استناد اطلاق «من اراد ان يخرج من مكة ليعتمر»، روایت بر همه فرض های عمره مفرده از داخل مکه، دلالت داشته و در واقع در مورد شخص و حالت خاصی نیست و نسبت به همگان شمول دارد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۰) همچنین به استناد عبارت «احرم من جعرانه او

الحدییه» درمی‌یابیم که احرام در جعرانه و حدیبیه، که به نوعی از مرزهای حرم هستند، جایز است و به استناد عبارت «او ما اشبهها» این دو مورد به عنوان مصداق ذکر شده‌اند و موضوعیت خاصی نداشته و در واقع، مراد «ادنی‌الحل» است. هرچند در هیچ نصی، به عنوان ادنی‌الحل تصریح نشده است، لیکن همین فقره روایت، مشعر به مفهوم ادنی‌الحل بوده و بر مقصود دلالت دارد.

به فرض اگر کسی ادعا کند: در روایت به حدیبیه و جعرانه تصریح شده است و از آن جهت که این دو مکان دورترین مرز حرم هستند، پس شاید منظور امام علیه‌السلام از عبارت «و ما أشبَهَهُمَا»، یعنی شبیه این دو، در فاصله و بُعد مکان باشد و احرام در نقاطی همانند تنعیم، که هفت کیلومتر بیشتر با مسجدالحرام فاصله ندارد، جایز نخواهد بود، پذیرفتنی نیست؛ زیرا این برداشت دارای قرینه نبوده و روایت را نمی‌توان صرفاً با یک احتمال، حمل بر معنای خاص کرد.

نتیجه آنکه، روایت عمر بن یزید، میقات‌های احرام را برای عمره مکیان، جعرانه و حدیبیه دانسته و با تعبیر «ما أشبَهَهُمَا» آن را به همه مناطق ادنی‌الحل گسترش داده است. در واقع «ما أشبَهَهُمَا» می‌خواهد به مواضع نظیر آن، که در شرع بر آن تصریح شده است، اشاره کند.

با توجه به شهرت قابل قبول در مسئله، و صحیح عمر بن یزید، احرام عمره مفرده مستقله ساکنان مکه از ادنی‌الحل خواهد بود. روشن است که این روایت، اخص مطلق از تسری حکم ادله جواز احرام از منزل، برای ساکنین مکه است؛ چراکه اطلاق خاص، مقدم بر عموم عام است. همچنین، شمول ادله دویرة الأهل، برای ساکنین و مجاورین مکه ثابت نیست. پس نمی‌توان مدعی شد میقات ساکنین مکه، در عمره مستقله، منزل آنان بوده و فقط میقات عمره پس از حج قران و افراد را به خاطر دلیل خاص، خارج از این اصل کلی دانست.

## دلیل دوم: صحیح جمیل بن دراج

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ - إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ -، قَالَ عليه السلام: «تَمْضِي كَمَا هِيَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَتَجْعَلُهَا حَجَّةً، ثُمَّ تُقِيمُ حَتَّى تَطْهَرَ فَتَخْرُجُ إِلَى التَّنْعِيمِ فَتُحْرِمُ فَتَجْعَلُهَا عُمْرَةً». قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: «كَمَا صَنَعَتْ عَائِشَةُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۱۴)

جمیل بن دراج از امام صادق عليه السلام سؤال می کند: «زن حائضی روز هشتم ذی حجه (یوم الترویة) عازم مکه می شود، وظیفه اش در انجام مناسک چیست؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «با همان حال [برای حج محرم شده و] به عرفات عزیمت نموده و... پس از انجام مناسک حج، در مکه اقامت گزیند و صبر کند تا پاک گردد. آن گاه به تنعیم رفته و برای عمره محرم گردد». ابن ابی عمیر - که راوی جمیل بن دراج است - اظهار داشت: «همان گونه که عایشه نیز انجام داد».

قدر متیقن از امر امام عليه السلام، به احرام از تنعیم، بر جواز دلالت دارد. شایان ذکر است، ذکر نام تنعیم در روایت و عدم اشاره به مکان های دیگر، از باب محدود ساختن حکم به مورد خاص نیست، بلکه از آن روست که تنعیم، نزدیک ترین حدود حرم است و شاید مناسب ترین مکان برای احرام، با توجه به وضعیت بانوان، است. گویی امام در مقام ذکر مصداقی از ادنی الحل بوده اند.

ظاهراً هرچند در روایت به نام تنعیم اشاره شده است، از باب الغای خصوصیت، شامل موارد دیگر می شود. همچنین این روایت - هرچند در مرحله نخست بر عمره، پس از حج افراد، دلالت دارد و از آن جهت که احکام حج افراد و حج قران همانند یکدیگر هستند - فقط در حج قران قربانی به همراه دارند که در حج افراد چنین نیست. (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۵۰) بنابراین حکم شامل عمره حج قران هم می شود. اگر نتوانیم از «فَتَخْرُجُ إِلَى التَّنْعِيمِ فَتُحْرِمُ فَتَجْعَلُهَا عُمْرَةً» امر و جوب به احرام را از تنعیم برداشت کنیم، حداقل روایت بر جواز و کفایت احرام از تنعیم، به عنوان

ادنی‌الحل در عمره مفرده، پس از حج قران و افراد مسافران مکه، دلالت دارد. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۸۵) البته می‌پذیریم که صحیح جمیل بن دراج، در وهله نخست، درباره حکم ساکنان مکه نیست و از طرفی اگر کسی در اطلاق یا لزوم خروج از مکه، از صحیح عمر بن یزید خدشه کند، به قرینه «اجماع» یا عدم خلاف در مسئله، حکم ساکنین مکه در احرام عمره مفرده، پس از حج قران و افراد، احرام از ادنی‌الحل خواهد بود.

## ۲. عمره‌گزاران زائر و مجاور مکه

ادنی‌الحل، میقات زائران و مسافران در مکه، که قصد توطن نداشته و کمتر از دو سال اقامت داشته‌اند، می‌باشد و نیازی نیست به مواقیت پنج‌گانه رفته و از آنجا برای عمره محرم شوند.

هر چند فقهای عظام، کمتر به میقات عمره زائران در مکه اشاره مستقیم داشته‌اند، لیکن از اطلاق کلماتشان همگرایی حکم میقات تمامی مسافران و زائرانی که از مکه قصد عمره را دارند، فهمیده می‌شود و به طور کلی، همگی به کفایت احرام از ادنی‌الحل قائل شده‌اند؛ برای نمونه، مرحوم ابوصلاح حلبی، علامه حلّی و مقدس اردبیلی به این مسئله اذعان کرده‌اند و اساساً مخالفی در میقات عمره، پس از حج قران و افراد، گزارش نشده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۱۹)

## ادله فقها

به جز «اجماع» و صحیح «عمر بن یزید»، بر صحیح معاویه بن عمار نیز می‌توان برای میقات عمره‌گزاران زائر و مجاور مکه تمسک جست:

## دلیل نخست: صحیح معاویه بن عمار

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، «قَالَ اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثَلَاثَ عُمَرٍ مُفْتَرِقَاتٍ عُمْرَةَ فِي ذِي الْقَعْدَةِ أَهْلٌ مِنْ عُسْفَانَ وَهِيَ عُمْرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ وَعُمْرَةَ أَهْلِ مَنْ الْجُحْفَةِ وَ



هِيَ عُمْرَةُ الْقَضَاءِ وَعُمْرَةُ أَهْلِ مِنَ الْجِعْرَانَةِ بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ».

(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۳۸)

روایت فوق که چگونگی عمره‌های سه‌گانه رسول خدا ﷺ را گزارش داده است، بر جواز احرام از جعرانه و حدیبیه، و در واقع بر ادنی‌الحل دلالت دارد. تقریب استدلال بدین‌گونه است که از عبارت «عُمْرَةُ أَهْلِ مِنَ الْجِعْرَانَةِ بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ» برداشت می‌شود که زائران مکه، می‌توانند برای احرام عمره مفرده، از جعرانه، که یکی از مرزهای ادنی‌الحل است، احرام ببندند.

پیامبر خدا ﷺ پس از بازگشت از طائف در جنگ حنین، در جعرانه احرام بستند. با توجه به اینکه میقات اهل طائف قرن المنازل است، عدم بازگشت ایشان به میقات اهل طائف و احرامشان از ادنی‌الحل، دلیل جواز احرام از ادنی‌الحل در عمره مفرده است. در این فرض، عمره مفرده مسبوق به حج قران و افراد نبوده و خروج از مکه نیز به قصد عمره نبوده است.

از دیگر سو، روایت ظهور دارد «وعمره من الجعرانة» که آغاز عمره پیامبر اکرم ﷺ از جعرانه بوده است؛ نه اینکه ایشان پیش از ورود به جعرانه احرام بسته و در آنجا فقط صدایشان را به تلبیه بلند کرده باشد.

اگر کسی بگوید این عبارت در وجوب خروج از مکه برای عمره ظهور ندارد، پاسخ داده می‌شود: «به اقتضای اطلاق صحیح عمر بن یزید، خروج از مکه، مقدمه عمره است؛ چراکه ظاهر حرف غایت، بر این مسئله دلالت دارد؛ در واقع خروج از مکه مقدمه لازم و متعین برای انجام عمره است». پس، با توجه به صحیح عمر بن یزید و صحیح معاویه بن عمار، زائران مکه برای احرام عمره مفرده مستقل می‌توانند برای این منظور به ادنی‌الحل بروند. بنابراین نمی‌توان به استناد روایت صحیح معاویه بن عمار، برای جعرانه موضوعیت خاصی در نظر گرفت؛ چه آنکه به قرینه روایت جمیل بن دراج می‌گوییم نص بر جعرانه دارای خصوصیت نیست

و مشیر به عنوان ادنی الحل است.

### دلیل دوم: حج گزاری رسول خدا ﷺ

در روایت صحیح از امام صادق ع که چگونگی حج گزاری رسول خدا ص را به طور مفصل بیان می کند، پرسش و پاسخ عایشه از حضرت رسول ص را نیز بیان می فرماید: «فَقَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ تَرَجِعُ نِسَاؤُكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعًا، وَأَرْجِعُ بِحَجَّةٍ؛ فَأَقَامَ بِالْأَبْطَحِ وَبَعَثَ مَعَهَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ إِلَى التَّنْعِيمِ فَأَهَلَّتْ بِعُمْرَةٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۵۰).

در این روایت، عایشه پس از پایان حج افراد، به پیامبر ص گفت: «همه زنان شما حج و عمره را انجام دادند، درحالی که من فقط حج را انجام داده ام». ایشان نیز که آن هنگام در منطقه بطحاء مکه اقامت داشتند، عبدالرحمان بن ابی بکر را همراهشان فرستاد تا در تنعیم احرام بسته و عمره مفرده به جای آورند.

این روایت، تعلیم حضرت رسول ص به عایشه بوده که به عنوان زائر در مکه و در منطقه «ابطح»، که در محدوده حرم است، سکونت داشته، (ابن قدامة المقدسی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۱۰) و دلیل بر مشروعیت احرام عمره مفرده از ادنی الحل، هم در حج افراد و هم در حج قران است.

به نظر برخی فقها (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۱۲) فرد مقیم در مکه، که پیش تر حج تمتع بر او واجب شده، باید برای احرام عمره تمتع از مکه خارج شود. اما شیخ الطائفه (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۵) تلاش کرده است میقات اینان را ادنی الحل قرار دهد. مشهور فقها (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۱۱۴) میقات اصلی این گونه افراد را یکی از میقات های پنج گانه، و در صورت وجود عذر و اضطرار، ادنی الحل دانسته اند. بنابراین افرادی که کمتر از دو سال در مکه مقیم شده اند، می توانند از یکی از مواقیت یا ادنی الحل احرام ببندند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۱۳)

### ۳. میقات کسانی که از مواقیت اصلی یا محاذات آنها عبور نکنند

برخی افراد ممکن است از راهی به طرف حرم حرکت کنند که از هیچ یک از میقات‌ها یا هم‌راستای آنها نگذرند؛ در اصطلاح به اینان «من لایمر بمیقات» گفته می‌شود. از دیرباز درباره وظیفه ایشان، میان اندیشمندان فقه اسلامی، بحث و گفت‌وگو بوده است. البته درباره اینکه اساساً امکان دارد کسی، بدون اینکه از میقات یا هم‌راستای آنها بگذرد، بتواند وارد حرم شود، دو دیدگاه وجود دارد: برخی همانند مرحوم نراقی (همو، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۸۳)، صاحب ریاض (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۰)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۱۱۸) و صاحب عروه (یزدی طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۶۳۹) معتقدند «مواقیت، در همه اطراف، محیط بر حرم قرار دارند». برخی دیگر، همچون آقا ضیاعراقی، مرحوم نائینی، آیت‌الله بروجردی و محقق خوئی، در حاشیه خود بر عروه (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۷۰) معتقدند، مواقیت، محیط به حرم می‌باشند. ولی می‌توان نقطه‌ای را فرض کرد که نه میقات، و نه محاذی میقات باشد.

به نظر می‌رسد دیدگاه دوم صحیح باشد و در واقع می‌توان نقطه‌ای را فرض کرد که نه میقات، و نه محاذی میقات باشد. از طرفی، با توجه به امکان استفاده از پروازهای هوایی، تصور ورود به منطقه، بدون عبور از میقات و هم‌راستای آنها ملموس تر است.

در این بحث، کلیدواژگان «مرحلتین» و «اقرب المواقیت» به کار رفته است. «مرحله» در واقع مسافت یک روز مسافر آن زمان (هشت فرسخ) است (فیومی، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۲۲۳) و دو مرحله ۱۶ فرسخ و ۴۸ میل و در حدود ۹۴ کیلومتر و مساوی با «اقرب المواقیت» می‌باشد؛ مسافت ذات عرق، یلملم و قرن المنازل به مکه مساوی بوده و اقرب المواقیت می‌باشند.

پس از بیان این مقدمه، درباره امکان سنجی صحت احرام از ادنی‌الحل، برای

کسی که از نقطه‌ای وارد حرم شود که نه میقات بوده و نه هم‌راستای آنها، خواهیم پرداخت.

روشن است اگر کسی دیدگاه نخست را پذیرفته باشد، دیگر جایی برای این بحث باقی نمی‌ماند. ولی اگر کسی دیدگاه دوم را بپذیرد، باید بر آن اساس، تکلیف مشخص گردد؛ مثلاً هرگاه زائری با هوایما یا کشتی وارد جده شود، با توجه به آنکه از جده به مکه، میقاتی در راه نیست یا در محاذی بودن فرودگاه جده با یکی از مواقیت، مانند جحفه، تشکیک است و قطعاً محاذات عرفی نیست، باید وظیفه ایشان بررسی شود.

در این مسئله دو نظریه (احرام از ادنی الحل و احرام از اقرب المواقیت) میان فقها وجود دارد. از میان فقهای شیعه، نخستین بار ابن جنید (حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۳) با طرح دیدگاه اهل سنت (رافعی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۶۵) در این مسئله به نوعی پذیرفته که احرام این‌گونه افراد از دو مرحله‌ای مکه است.

در برابر این دیدگاه، مشهور فقها بر جواز احرام از ادنی الحل حکم کرده‌اند. علامه حلی (همو، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۷)، صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۲۴)، صاحب ریاض (طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۹۵)، مرحوم نراقی (همو، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۹) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۱۱۸) بدان گرایش یافته‌اند. البته این بزرگواران معمولاً احتمال «اقرب المواقیت» را، که همان «مرحلتین» است، به همراه «ادنی الحل» نیز طرح کرده‌اند. گفتنی است مرحوم آیت‌الله حکیم، فتوا به تعیین احرام از ادنی الحل داده و در تشریفش به حج نیز با شجاعت از ادنی الحل احرام بستند. (همو، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۸۴)

### ادله فقها

مفاد روایاتی از جمله صحیح عاصم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۰۲) و محمد بن مسلم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۰۲) آن است که داخل شدن در

حرم، برای کسی که اراده نسک دارد، بدون احرام، حرام است. اطلاق این روایات بر مدعا دلالت دارد.

در نقد این دلیل می‌توان بیان داشت: حتی با در نظر نگرفتن روایات معارض، مفاد این روایات، عدم جواز دخول در حرم بدون احرام است. اما دلالتی بر احرام از ادنی‌الحل ندارند. مفاد این روایات، احرام قبل از حرم است و قبل حرم هم بر میقات‌های پنج‌گانه صدق می‌کند. لذا این روایات، با تخییر هم سازگاری دارند. همچنین ممکن است اطلاق این روایات، با روایاتی که بیانگر لزوم احرام در مواقیت پنج‌گانه است، تقیید زده شود و در نتیجه احرام، تعیین بر لزوم بازگشت در میقات‌های پنج‌گانه نشود. بنابراین ادعای اطلاق خدشه‌دار می‌شود. شاید نیز بتوان مدعی شد، روایات توقیت مواقیت معروف، حکومت داشته و در هر حال باید از آنجا احرام بست.

اما از سوی دیگر، همان‌طور که برخی فقیهان (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۲۴؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۹) بیان داشته‌اند، اصالت برائت، بر احرام از ادنی‌الحل دلالت دارد. تقریب استدلال این‌گونه است که ما شک داریم آیا باید برای احرام مسافتی بیشتر از ادنی‌الحل طی کرد یا همان میزان کفایت می‌کند؛ اصل، عدم رجوع زیادتر از ادنی‌الحل می‌باشد.

در نقد این دلیل باید اذعان داشت: شرط اساسی اجرای اصل برائت در شبهات حکمی تفحص و جست‌وجو از وجود دلیل اجتهادی است، حال، با وجود روایات باب ۱، ۱۴ و ۱۶ از مواقیت، جای رجوع به اصل برائت نمی‌باشد. اصل برائت در طول ادله لفظیه بوده و اگر شکی هم وجود داشته باشد باید به اطلاقات مراجعه، و مسئله را حل کرد. همچنین، اصول در اطراف علم اجمالی جاری نمی‌شود؛ زیرا با هم تعارض می‌یابند. همان‌طور که اصل عدم احرام از ابعده المواقیت می‌باشد، اصل عدم وجوب احرام نیز از ادنی‌الحل می‌باشد.

صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۵۲) به نیکی رجوع به اصل براءت را رد کرده و معتقد است: اینجا شک در اصل تکلیف نیست که اصل براءت جاری شود. بلکه شک در مکلف به می باشد؛ چه آنکه در جایی که اصل وجود تکلیف، ثابت و قطعی بوده و مکلف نوع تکلیف را هم می داند و فقط درباره چیزی که تکلیف به آن تعلق گرفته، شک داشته باشد، مجرای اصل احتیاط خواهد بود. در این فرض نیز، مکلف می داند باید محرم شود. اما نمی داند از کدام یک از این چند مکان باید محرم گردد و از آنجا که اشتغال یقینی مستدعی براءت یقینی است، لذا باید قاعده اشتغال جاری شود.

به طور کلی، از آنجا که دیدگاه لزوم رجوع به یکی از میقات های پنج گانه دلیلی ندارد و روایات تنصیص مواقیت درباره افرادی است که از آنجا یا حداکثر از هم راستا می گذرند؛ از طرفی، دیدگاه احرام از فاصله مرحلتین به مکه، وظیفه کسانی است که از میقات یا محاذی اش عبور می کنند و دلیلی بر احرام از مرحلتین نداریم؛ پس احرام از «ادنی الحل» تعیین می یابد؛ زیرا حداقل جایی که دیگر بدون احرام قطعاً نمی توان وارد شد، ادنی الحل است. بنابراین در کلیت شأنیت میقات بودن ادنی الحل شکی نیست؛ از طرفی در فرض مسئله، با توجه به عدم اثبات حالت های دیگر، احرام متعین از «ادنی الحل» خواهد بود.

حال، اگر کسی اطلاق هیچ یک از احتمالات سه گانه (رجوع به مواقیت مخصوص، احرام از اقرب المواقیت و احرام از ادنی الحل) را نپذیرد، نوبت به اصل عملی در مسئله می رسد؛ در اینجا دوران بین تعیین و تخییر در متعلق حکم و جویی است. حال اگر قائل به اصالت براءت شویم، مکلف می تواند احرام را در ادنی الحل انجام دهد. اما اگر قائل به اصالة الاحتیاط شویم، باید از مواقیت پنج گانه یا محاذات آنها محرم شد.

توضیح آنکه، اگر کسی در مسئله دوران بین تعیین و تخییر، قائل به براءت شد،

یعنی اجمالاً می‌داند که باید در یکی از این سه مکان محرم شود، و چون احرام در مواقیت نیازمند بازگشت مسافت بیشتر است و دلیلی بر ایجاب آن خصوصیت اضافه قائم نیست، نسبت به آن خصوصیت اصالت برائت جاری می‌شود و می‌تواند در ادنی‌الحل احرام ببندد. اما اگر کسی در دوران بین تعیین و تخییر قائل به احتیاط شد - کما هو الحق - باید محتمل‌التعیین را انجام دهد؛ چه آنکه معنای احتیاط، در همه موارد، اتیان به جمع نیست. بلکه در دوران بین تعیین و تخییر، باید محتمل‌التعیین را اخذ کند؛ زیرا تردید بین این است که احرام در مواقیت معیناً واجب باشد یا مخیراً بین مواقیت و ادنی‌الحل؛ پس در مقام امثال باید محتمل‌التعیین - احرام در مواقیت - را اخذ کرد و نیازی به تجدید احرام در ادنی‌الحل نیست.

به نظر می‌رسد ظاهراً در اینجا با توجه به شأنیت میقات بودن ادنی‌الحل و ادله‌ای چون اصل برائت از تکلیف زاید، به ضمیمه حرمت ورود به حرم بدون احرام و نیز این نکته که ادنی‌الحل میقات اضطراری است، پشتوانه و مؤیدات حکم جواز احرام از «ادنی‌الحل» باشد. البته کسی که بخواهد احتیاط کند و یقین به برائت ذمه حاصل نماید، می‌بایست از میقات‌های منصوص احرام ببندد.

#### ۴. میقات اضطراری

کسانی که به سبب وجود عذر، مانند مانع خارجی، فراموشی و جهل به حکم (همچون جهل به وجوب احرام) یا جهل به موضوع (همچون جهل به مکان میقات) بدون احرام از میقات خود بگذرند، به استناد روایات متواتر توقیت (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۲۱) لازم است در نخستین فرصت، به یکی از میقات‌های پنج‌گانه بازگردند و از آنجا محرم شوند. اما اگر بازگشتن به میقات، به علت تنگی وقت یا سبب‌های دیگر، ممکن نباشد، وظیفه ناسک، احرام از ادنی‌الحل است.

محقق حلی (همو، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۷)، علامه حلی در منتهی (همو، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۸۶) و تذکره (همو، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۰۰)، صاحب جواهر (نجفی،

۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۲۹) و مشهور فقها بر آن اند که ادنی الحل، میقات اضطراری افراد خاص است؛ مثلاً میقات اضطراری بانوانی که به گمان جایز نبودن احرام برای آنان، به سبب حیض، بدون احرام وارد مکه شوند، مشروط بر آنکه نتوانند به میقات اصلی برگردند، ادنی الحل است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۷) همچنین افرادی که عمره خود را باطل کرده و حال باید دوباره عمره به جای آورند، می توانند از ادنی الحل احرام ببندند. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۵۰ و ۵۱)

### ادله فقها

صاحب وسائل، در باب ۱۴ از ابواب مواقیت، ده روایت آورده است که برای رعایت اختصار، از ذکر تفصیلی آن خودداری می شود. اما اجمالاً اینکه هرگاه حج گزاری، در صورت وجود عذر، بدون احرام از میقات بگذرد، باید به مواقیت برگردد. لیکن در صورت تنگی وقت یا علل دیگر، می تواند از ادنی الحل احرام ببندد.

صحیح حلبی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۳۹) بر جواز احرام جاهل، صحیح معاویه بن عمار (همو، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۳۸) بر جواز احرام بانوان معذور، و دیگر صحیح حلبی (همانجا) بر جواز احرام ناسی، بطلان عمره و سایر موارد ویژه از ادنی الحل دلالت دارد. البته همان طور که گفته شد، همه این موارد، مشروط بر عدم تمکن بر بازگشت به مواقیت، به علت تنگی وقت یا سبب های دیگر است.

### نتیجه کلی

از جهت موضوعی، هر چند در روایات معصومین علیهم السلام، به عنوان ادنی الحل تصریح نشده است، اما در صحیح عمر بن یزید میقات های احرام را برای عمره مکیان، جعرانه و حدیبیه، در شمال غربی مکه، دانسته و با تعبیر «وما أشبَهُهُمَا» آن را به همه مناطق ادنی الحل گسترش داده است. همچنین به تنعیم در صحیح



## منابع

\*. قرآن مجید.

۱. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۱ق.)، **کتاب من لا یحضره الفقیه**، تحقیق: سید حسن موسوی الخراسان، بیروت، دارصعب، دارالتعارف.
۲. ابن دهش، عبدالملک بن عبدالله (۱۴۱۵ق.)، **الحرم المکی الشریف والاعلام المحیطة به**، مکه، النهضة الحدیثه.
۳. ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد بن محمد (۱۳۸۸ق.)، **المغنی و الشرح الکبیر**، قاهره، دارالحدیث.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق.)، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق.)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، تحقیق شیخ محمدتقی ایروانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ق.)، **وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۷. حکیم، سید محسن طباطبائی (۱۴۱۶ق.)، **مستمسک العروة الوثقی**، قم، مؤسسه

جمیل بن دراج و به جعرانه و حدیبیه در روایت صحیح معاویه بن عمار، به عنوان مصادیق ادنی الحل، تصریح شده است.

از جهت حکمی نیز ادنی الحل، همانند مواقیت منصوص، شأنیت میقات بودن را داراست و در مواردی، همانند میقات عمره مفرده (قارن، مفرد و نائی)، ناسی و جاهل به حکم احرام، کسانی که اساساً از مواقیت اصلی یا همراستای آنها عبور نمی کنند یا افرادی که کمتر از دو سال در مکه مقیم شده اند و به طور مطلق افراد معذور از بازگشت به میقات های منصوص، می توانند از ادنی الحل احرام ببندند.

- دارالتفسير، چاپ اول.
٨. حلى (محقق)، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق.)، **شرائع الاسلام فى مسائل الحلال والحرام**، تحقيق عبدالحسين محمدعلى بقال، قم، اسماعيليان.
٩. حلى، حسن بن يوسف (١٤١٤ق.)، **تذكرة الفقهاء**، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت.
١٠. \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق.)، **قواعد الأحكام فى معرفة الحلال والحرام**، تحقيق دفتر انتشارات اسلامى، قم، انتشارات اسلامى.
١١. \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق.)، **مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة**، تحقيق گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامى، قم، انتشارات اسلامى، چاپ دوم.
١٢. \_\_\_\_\_ (١٤١٢ق.)، **منتهى المطلب فى تحقيق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه.
١٣. حموى، ياقوت بن عبدالله (١٣٩٩ق.)، **معجم البلدان**، بيروت، داراحياء التراث العربى.
١٤. خوئى، سيد ابوالقاسم موسى، **معجم الرجال الحديث**، مؤسسه احياء آثار امام خوئى، بى جا، بى تا.
١٥. رافعى، عبدالكريم بن محمد (١٤١٧ق.)، **العزیز شرح الوجيز**، تحقيق: على معوض و عادل عبدالوجود، بيروت، دارالكتب العلمية.
١٦. زييدى، محمد بن محمد مرتضى (١٩٨٠م)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر.
١٧. شهيد ثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى (١٤١٣ق.)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، تحقيق: مؤسسه معارف اسلامى، قم، مؤسسه المعارف لإسلاميه.
١٨. طباطبايى، سيد على بن محمد بن ابى معاذ (١٤١٨ق.)، **رياض المسائل فى تحقيق الأحكام**، تحقيق: محمد بهره مند، محسن قديرى، كريم انصارى و على مرواريد، قم، مؤسسه آل البيت.
١٩. طباطبايى يزدى، سيد محمد كاظم (١٤١٧ق.)، **العروة الوثقى**، جامعه مدرسين حوزة علميه قم، تحقيق مؤسسه نشر اسلامى.
٢٠. طريحي، فخرالدين بن محمد (١٣٦٢ق.)، **مجمع البحرين**، تحقيق: سيد احمد حسيني، انتشارات مرتضوى.
٢١. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤٠٧ق.)، **تهذيب الأحكام**، تهران،

دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم.

۲۲.

(۱۴۱۷ق.)، **الفهرست**، تحقیق شیخ جواد

قیومی، بی جا، چاپ اول.

۲۳. فاضل هندی، محمد بن حسن

(۱۴۱۶ق.)، **كشف اللثام والإبهام عن**

**قواعد الأحكام**، تحقیق گروه پژوهش دفتر

انتشارات اسلامی، قم، انتشارات اسلامی.

۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق.)،

**العین**، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم

سامرائی، قم، هجرت.

۲۵. فیومی المقرئ، احمد بن محمد

(۱۹۸۷م)، **المصباح المنیر فی غریب**

**الشرح الكبير**، بیروت، المكتبة العلمية.

۲۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر الجناجی

(۱۴۲۲ق.)، **كشف الغطاء**، خراسان، دفتر

تبلیغات اسلامی.

۲۷. المررداوی، علاءالدین علی بن سلیمان

(۱۳۷۵ق.)، **الإنصاف فی معرفة الراجح**

**من الخلاف**، تحقیق محمد حامد الفقی،

مطبعة السنة المحمدية.

۲۸. موسوی عاملی، حمد بن علی

(۱۴۱۱ق.)، **مدارك الأحكام فی شرح**

**عبادات شرائع الإسلام**، تحقیق مؤسسة

آل البيت، بیروت، مؤسسة آل البيت.

۲۹. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴ق.)،

**جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام**،

تحقیق: شیخ عباس قوچانی، چاپ هفتم،

بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۳۰. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی

(۱۴۱۵ق.)، **مستند الشیعة فی أحكام**

**الشریعة**، گروه پژوهش مؤسسة آل البيت،

قم، مؤسسة آل البيت.

۳۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق.)، **مستدرک**

**الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه

آل البيت لاحیاء التراث.

نقشه محدوده حرم

